



دیدگاه

موضوع: سیاست گذاری تجاری پیش زمینه نیل به اهداف سیاست گذاری صنعتی در ایران

شماره: ۱۰۷۴

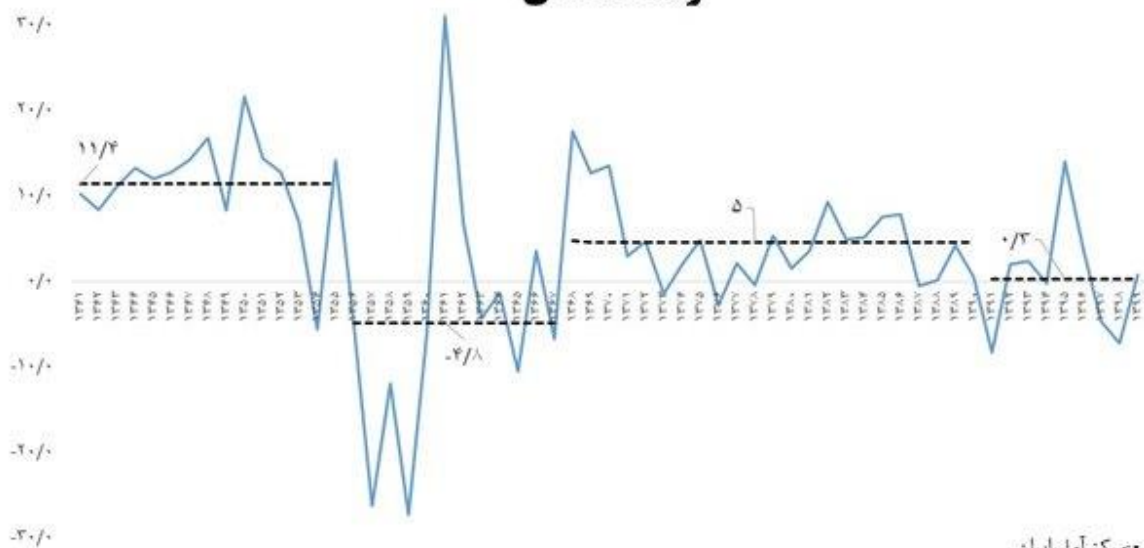
تاریخ: ۱۴۰۳/۴/۲۳

تهیه و تنظیم: محمد رضا عابدین مقانکی

توضیح اجمالی:

نرخ رشد اقتصادی پایین و حتی گاهی منفی ایران در کنار نرخ های تورم بالا و حتی دورقمی در سالهای پس از پیروزی انقلاب و به ویژه از دهه ۸۰ شمسی بدین سو یک از معضلات اصلی اقتصاد کشور به حساب می آید (نمودار زیر). در کنار مشکلات مربوط به محیط کسب و کار، عدم اصمینان به انجام سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در کشور، از مهمترین دلایل بروز وضعیت رکود تورمی در این سالها، مشکلات مربوط به طرف تقاضای اقتصاد می باشد. بنابراین از مهمترین راهکارهای رفع معضل، تحریک مناسب تقاضا برای تولیدات کشور است. با رشد تقاضای داخلی و خارجی برای تولیدات ایران، امکان بهبود در نرخ رشد اقتصادی و خروج از وضعیت رکود تورمی قابل تصور است. اما به دلیل تورم های فزاینده و مواجهه کشور با تحریم های گسترده اقتصادی، متوسط قدرت خرید مصرف کنندگان داخلی کاهش یافته و از این منظر رشد تقاضای داخلی عملاً امکان پذیر نیست. از جهت دیگر نیز اقبال اندک بین المللی نسبت به خرید کالای ایرانی، تقاضای جهانی برای تولیدات کالا و خدمات ایرانی را بی رمق نموده است؛ به طوریکه سهم کل صادرات ایران از صادرات جهانی از ۰.۵ درصد در سال ۱۳۸۳ با روندی کاملاً نوساندار و همسو با وضعیت اجرا یا توقف برجام در نهایت به ۰.۳۳ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است (بیشترین سهم ایران از صادرات جهانی در این دوره مربوط به سال ۱۳۹۰ با رقم ۰.۷۶ درصد و کمترین سهم مربوط به سال ۱۳۹۹ با ۰.۲۳ درصد بود). در این خصوص، عدم تعیین تکلیف در خصوص جهت گیری ارتباطات بین المللی کشور در راستای برقراری روابط فعال با سایر کشورها و به انزوا رفتن تدریجی ایران در سطح جهانی به ویژه بر اثر گسترش روزافزون دامنه تحریم علیه کشور از عوامل کاهش نسبی سهم ایران در بازار جهانی کالا و خدمات به حساب می آید. این در حالی است که گسترده شدن روابط بین الملل ایران با کشورهای اثرگذار در تجارت بین الملل کالا، خدمات و تکنولوژی در جهان می تواند سبب ساز بهبود روند صادرات ایران و وضعیت شاخص های کلان اقتصادی همچون تولید و اشتغال کشور گردد. اما همانطور که بیان شد، عدم اقدام صحیح در این خصوص طی دهه های متوالی باعث شده تا صادرات بالفعل و تحقق پذیر ایران به ظرفیت هایی بلااستفاده تبدیل شود. بنابراین عدم به کارگیری پتانسیل های صادراتی کشور منجر به گسترش رکود و افزایش بیکاری به ویژه در میان اقشار تحصیل کرده کشور شده است. درواقع سیاست گذاری پایدار با هدف نیل به اهداف سیاست گذاری صنعتی منجر به رشد اقتصادی، با چالشهایی جدی تر از گذشته روبرو شده است.

رشد اقتصادی



منبع: مرکز آمار ایران

درواقع استفاده از ظرفیت های استفاده نشده صادراتی می تواند منفذ مناسبی برای بهبود شرایط بازار کار و تولید کشور باشد. این اقدام عموماً نیازمند تسهیل تجارت و حتی کاهش موانع تجاری (و تعرفه ای) خواهد بود که ممکن است نگرانی هایی در خصوص افزایش واردات و ارزشی صنایع داخلی که اغلب آنها



دیدگاه

مونتازای اند را به وجود آورد، اما واقع قضیه آنست که افزایش واردات نه تنها موجبات نگرانی در مورد کاهش اشتغال داخلی را ایجاد نمی کند، بلکه موجب بهبود شرایط بازار کار و تولید کشور نیز می شود. به عبارت دیگر هرگونه کمک به گسترش تجارت خارجی ایران (حتی به شرط کاهش موانع بر سر راه تجارت خارجی کشور)، در نهایت منجر به بهبود در شرایط بازار کار و تولید کشور می گردد. به ویژه در صورتیکه افزایش تجارت خارجی ایران از طریق به کارگیری آن بخشی از ظرفیت های صادراتی کشور به بازارهای هدف مناسب باشد که تا کنون مغفول و بلااستفاده مانده است. بنابراین چنین اقدامی مطمئناً نتایجی مناسبتر در بهبود وضعیت متغیرهای کلان و مهم اقتصادی کشور را دربر خواهد داشت. بر این اساس، می توان اذعان نمود که با اصلاح درخور سیاستهای تجاری، می توان گام های مطلوب جهت نیل به اهداف سیاست های صنعتی کشور برداشت.

نکات کلیدی:

۱. با توجه به تاثیر مثبت به کارگیری ظرفیت بلااستفاده صادراتی (به مفهوم فراهم شدن گستره منافذ و پنجره های تقاضای بین المللی کالا، و خدمات ایرانی در جهان) و توسعه واردات بر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان کشور، می توان به مقامات تصمیم گیر در امور اعطای حمایت های تجاری، اطمینان داد که با طراحی سیاست ها و استراتژی های مناسب جهت توسعه صادرات به ویژه در بخش های دارای ظرفیت بلااستفاده صادراتی بالاتر، امکان نیل به رشد و اشتغال در کشور وجود خواهد داشت. در واقع سیاستگذاران اقتصادی کشور می توانند از صادرات به عنوان ابزاری برای تقویت اشتغال و در پی آن رشد فراگیر و پایدار کشور کمک بگیرند. یعنی سیاستگذاران باید اقدامات راهبردی و در صورت لزوم حمایتی متناسب با صنایع را در پیش گیرند. حرکت به سمت آزادسازی تجارت خارجی باعث افزایش اشتغال صنعتی نیز خواهد شد. بنابراین لازم است با رفع نگرانی های ذهنی در زمینه تاثیر منفی توسعه تجارت خارجی بر اشتغال، زمینه های لازم برای بهبود تجارت خارجی و حرکت به سوی آزادسازی تجاری را فراهم نمایند.

۲. دولت باید در خصوص اقدامات راهبردی صحیح تدبیر مناسبی اندیشیده و از اعمال محدودیت های جدید خودداری ورزد؛ اقداماتش را در طی برنامه زمان بندی شده و از پیش اعلام شده برای عموم، صورت دهد.

۳. به منظور تغییر جهت فعلی تجارت خارجی و به ویژه صادرات کشور که در حال کاهش است، لازم است دولت زمینه های لازم برای تسهیل تجارت و به ویژه صادرات را به طور کامل فراهم نموده و اقداماتی برای بهبود جایگاه ایران در روابط بین الملل و بهبود برند ملی ایران در سطح جهانی را به ثمر برساند. مهمترین این اقدامات می تواند شامل تلاش برای ارایه زمینه های مثبت در مورد ایران برای تصحیح دیدگاه مردم جهان در مورد کالاهای ایرانی (به ویژه در بازار کشورهای هدف، هرچند نه صرفاً در این کشورها)، کاهش موانع تجاری، شامل موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای (چون ایجاد ثبات در آیین نامه های صادراتی-وارداتی، حذف کاهش و یا حداقل شفاف قابل پیش بینی بودن کالاها، خدمات و کشورهای طرف تجارتی دارای ممنوعیت یا محدودیت، کاهش یا حذف بروکراسی و فساد بر سر راه تولید داخلی و تجارت خارجی) باشد.

۴. در حال حاضر، اغلب صنایع کشور متکی و بر پایه نفت هستند و به لحاظ تولید آلودگی کربنی در مقام های برتری قرار دارند و نیز به سبب پایین بودن فناوری تولید اینگونه محصولات، استمرار در تولید آنها، سطح توان تولیدی کشور را تنزل می بخشد. بنابراین لازم است در فرآیند زمانی، اهتمام به تلاش برای بهبود صادرات به ویژه با هدف کاهش اتکا به صادرات مواد اولیه و نفت خام، میزان صادرات کالاهای با فناوری بالاتر از گذشته بیشتر گردد. نیل به این هدف می تواند با بهبود روابط بین الملل کشور به ویژه با کشورهای صاحب فناوری در دنیا به منظور فراهم نمودن امکان واردات تکنولوژی (به ترتیب فناوری های متوسط و متوسط روبه بالا و بالا) محقق شود.